

## حقوق مالکیت خصوصی

بیش نویسی ماده ۲۷ نیز پیشنهاد کرد که قانون معادن سال ۱۳۵۷ ملغی بوده است، چون هیچ دولتی قادر نیست حقوق ملت را بابطال یا کالاهایی که همیشه بخشی از میراث لایتنجری آن نژاد نماید. لذا اگر از یک طرف آکادمی علوم قانونی و قضایی، استدلال می‌کرد که حقوق مالکیت خصوصی منابع نفت و گاز را به حقوق مالکیت مطلق قادر به محدود کردن آن نیست، خشک‌اندیشی چنین استدلال می‌شد که حقوق مالکیت جنبه مطلق داشته و به تبع آن، حقوق مالکیت خصوصی بر آن می‌تواند جنبه قانونی داشته باشد. به این ترتیب هیچ یک از خواست‌های بیدید که اختلاف نظر بر سر ساختار می‌و که در ماده ۲۷ نیز به صراحت قید شده، موجب بروز این دوگانگی در استدلال گردیده است. برخی از مواد معدنی که در اعماق زمین یافت می‌شوند، متعلق به ملت است، نه منابعی که در نزدیکی سطح زمین یا در سطح زمین یافت می‌شوند. ماده ۲۷ کارگروه کوچکی از روشنفکران و سیاستمداران و اقلیتی در دل اقلیتی از نمایندگان کنگره بود. حتی می‌توان موضوع را اینگونه مطرح کرد که تصویب مالکیت دولتی منابع معدنی در مجمع موسسان به این دلیل بود که شورشیان، منطقه نفت‌خیز را تحت کنترل داشتند. مانوئل پلازا، سرکرده شورشیان که حوزه‌های تیار داشت و شخصاً بهره مالکانه دریافت می‌کرد با ماده ۲۷ می‌تواند تعجب نداشت که او از حقوق مالکیت خصوصی حمایت می‌کرد. اولین کنگره صنعت مکزیک که در سال ۱۹۱۷ برگزار شد سابق و سوسیالیستی و... تهاجمی علیه حقوق مالکیت و وجود اینکه ژنرال هریرتو جارزا، نماینده مجلس موسسان سخن گفته بود، ولی قلباً اعتقاد داشت که برای تقویت برابر شرکتهای نفتی غارتگر خارجی، ماده مزبور تنها راه بود که بر عکس او، سعی داشتند در نشریات دولتی و به صورت قطعات کوچکتر و پراکنده وجود دارند، لذا با آرزمان فاتی ندارند. پس، محدود ساختن یا کاستن از ابعاد اینگونه به نفع «کاپیتالیست‌های استثمارگر» تمام خواهد شد و به منابع بیگانگان می‌شود.

## کابوس وحشتناک

باره خرده مالکان، دقیقاً همان کابوس «روشنفکران و سود که بر عکس او، سعی داشتند در نشریات دولتی و به اسمیت و جان استیوارت میل، شرکتهای نفتی را متقاعد مالکیت دولتی و از بین رفته طبقه زمین‌داران مزایای بسیار جوواکین سانتانلا، یکی از سخنگویان دولت، احساسات و طلف خود را نسبت به مالکیت خصوصی منابع معدنی و نفت هیچ وجه پنهان نمی‌کرد و می‌گفت: فکر می‌کنید لازم است به یک طبقه رانت‌خوار نفتی را به وجود آوریم؟ آنها نشان داده‌اند که حاضرند سرمایه، فکر و همت خود را صرف تأمین درآمدی کنند که در مخیله هیچ تاجر، صنعتگر یا حرفه‌ای دیگر نمی‌گنجد.

سانتانلا در مباحث خود می‌گفت که باید وجوه تمایز اساسی بین یک شرکت نفتی و مالک را ترسیم کرد، چراکه مالک، در صنعت همان نقش ظرفیت مرده در حمل و نقل را بازی می‌کند. لذا در رابطه با توسعه صنعت نفت، زبان و ضروری که از ناحیه او وارد می‌شود، بیشتر از مساعد او است. برعکس، باید با سرمایه‌گذاران صنعتی محترم‌مانه برخورد کرد. «حمایت از سرمایه‌گذار صنعتی و ارائه کلیه تضمین‌های لازم، به نفع ملت است»

ماده ۲۷، مذاکرات، قوانین و مقررات بیشتری را طلب می‌کرد. دارندگان قراردادهای اجاره باید به صاحبان امتیازهای نفتی تبدیل

می‌شدند که به خودی خود موضوع چندان مهمی نبود، چراکه از نظر فنی، یک نظام امتیازی مدرن قادر بود چارچوب آرمانی کارها و فعالیت‌ها را فراهم کند، ولی قطعاً برای گشودن گره‌های کور حقوق مالکیت اراضی و اجاره‌نامه‌ها و تبدیل آنها به امتیازهای نفتی، لازم بود تلاش و همت تشکیلاتی، حقوقی و سیاسی گسترده به کار گرفته شود، زیرا همکاری در جهت به وجود آوردن چنان نظامی سبب می‌شد که با استفاده از منطق در ساماندهی منافع مختلف موجود در حوزه‌های نفتی، صرفه‌جویی‌های بسیار حاصل شود و میزان تولید نفت و بهره‌وری آن افزایش پیدا کند. علاوه بر این، پاداش بزرگ دیگری نیز نصیب ملت می‌شد. بدین معنا که رسیدن به راه‌های رضایت‌بخش می‌توانست راه را برای اکتشاف در مناطق دیگر هموار سازد، چراکه تا آن زمان امتیازات و قراردادهای اجاره، فقط بخش ناچیزی از زمین‌های نفت‌خیز مکزیک را شامل می‌شد و زمین‌هایی که در آنها عملیات اکتشاف صورت گرفته بود هم به مراتب کمتر از زمین‌هایی بود که در مورد آنها قراردادهای اجاره منعقد شده بود. لذا، حداقل از نظر فنی، مزایای این کار می‌توانست به نفع همه از جمله گیرندگان بهره مالکانه باشد.

## مالیات‌های دولت

در فوریه سال ۱۹۱۸، طی فرمانی اعلام شد که گیرندگان بهره مالکانه هم باید مالیات بپردازند. در مورد بهره مالکانه، نرخ مالیات ۵۰ درصد تعیین شد. در مورد شرکت‌هایی که به طور مستقل در بخشی از اراضی فعالی بودند، پرداخت سالانه ۵ پزو در هر هکتار زمین و بهره مالکانه‌های معادل ۵ درصد، اجباری شد. علاوه بر این، مالکان املاک ملزم شدند که ظرف سه ماه مشخصات ملک خود را رسماً به ثبت برسانند تا بتوانند به حفاری ادامه دهند. پس از انقضای این مدت، تمام اراضی ثبت نشده، خالی از سکنه تلقی خواهد شد. شکی نیست که این فرمان در تقویت اتحاد دهم پیمانی زمین‌داران مکزیک و شرکتهای آمریکایی مستقل بسزایی داشت. بنا به گفته لوئیس کابرا که روشنفکری برجسته بود، اشتباهی که دولت مرتکب شد، این بود که درصدد جلب حمایت مالکان و زمین‌داران برنیامد. ولی آیا در بحبوحه انقلاب دهقانی، کار دیگری امکان‌پذیر بود؟ گذشته از این، آیا صاحبان و گیرندگان بهره مالکانه با پرداخت مالیات‌ها، خواسته یا ناخواسته از نیروهای شورشی حمایت نمی‌کردند؟

خلاصه اینکه هیچ یک از آنها اقدام به پرداخت مالیات نکردند، شرکتهای نفتی نیز از ثبت فعالیت‌ها خود امتناع ورزیدند. دولت‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه مراتب اعتراض خود را نسبت به فرمان کاران از فوریه سال ۱۹۱۸ اعلام داشته و تصریح نمودند که این فرمان موجب ضبط املاک خصوصی و تضییع خودسرانه حق مالکیت خواهد شد. در اعتراض سیاسی انگلیس، از مالیات دولت حرفی به میان نیامده بود که پاسخ بسیار تند دولت مکزیک را به دنبال داشت. دولت مکزیک ادعا می‌کرد که دولت انگلستان اعتراض‌های سیاسی رانمی‌پذیرد، زیرا به دلیل وقوع جنگ، عوارض سنگینی را از تمام قلمرو خود دریافت می‌کند که به ضرر خارجی‌هاست. حتی شرکتهای ملی که در مکزیک فعالیت می‌کردند، در پشتیبانی از جنگ، مالیات‌هایی را به دولت متبوع خود می‌پرداختند. اگر چه آمار و ارقام مربوطه در مورد شرکتهای انگلیسی وجود ندارد، اما در مورد شرکتهای آمریکایی، این آمار تا به امروز محفوظ مانده است. در سال ۱۹۱۸، شرکت نفت هوستاکا، ۲ میلیون دلار مالیات به دولت مکزیک می‌پرداخت، ولی در همان سال در حمایت از جنگ، ۵ میلیون دلار به دولت آمریکا پرداخت کرده بود که البته تمام این مبالغ سوای مالیات بر سود اضافی بود. واقعیت این بود که با توجه به شرایط، بین موضوع مالیات دولتی و ملی سازی ذخایر ارتباط تنگاتنگی وجود داشت.

در این رابطه مذاکراتی انجام گرفت که هیئت اعزامی آن عبارت بودند از پنج تن از مدیران ارشد استاندارد اوپل آونیو جرسی، شرکت نفت هوستاکا، شرکت پالایش اتلانیتیک، شرکت سینکلیور و شرکت نفت تگزاس. در این مذاکرات، آنان سه هدف عمده را دنبال می‌کردند: (۱) موافقتنامه ای دایمی در مورد قضیه مالیات، (۲) آزادی عمل در انجام عملیات اکتشافی و (۳) پایان دادن به هرگونه اقدامات دست و پاگیر و بازدارنده.

همچنین امیدوار بودند که توافق مالیاتی، تعهدات ایشان را تا ۵۰ درصد کاهش دهد. چنانچه آنان می‌توانستند براساس اهداف و موارد فوق به توافقی دست پیدا کنند،

میزان تولید نفت دو برابر شده و دولت نیز متحمل کمبود درآمد نمی‌شد، ولی کاهش میزان تولید و مالیات بر صادرات نفت تنها چیزی بود که از این مذاکرات به دست آمد. از طرف دیگر، شرکت شل که در سال ۱۹۱۸ شرکت نفت آل اگیلا را تصاحب کرده بود، از اینکه برای انجام مذاکرات دعوت نشده بود، در مقام اعتراض برآمد.

در ماه نوامبر همان سال، دیپلوسی. تیگل (استاندارد اوپل آونیو جرسی) که در مذاکرات مکزیک شرکت داشت، به وزارت خارجه آمریکا اطلاع داد که هفت شرکت عمده نفتی آمریکا شامل پنج شرکت مذاکره‌کننده در مکزیک و دو شرکت دیگر، مایل‌اند به صورت مشترک در منطقه بین‌النهرین به اکتشاف بپردازند.

علاوه بر این، پنج شرکت اول، مایل بودند در مکزیک سرمایه‌گذاری مشترک انجام دهند. مشروط بر اینکه دولت آمریکا به بهانه قوانین ضدتر است، معترض نشود. در ابتدا، رئیس‌جمهور وقت مکزیک، اوبریگون از این فکر حمایت می‌کرد. شرکتهای موجود می‌توانستند یک و نیم میلیون جریب زمین را به شرکت جدید منتقل کنند و ۲۵ درصد از کل سود را نیز به دولت بپردازند که از نظر آنها سهمی سخاوتمندانه بود. در عوض از دولتی می‌خواستند که کلیه مناطق همجوار فدرال را هم در اختیار شرکت جدید قرار دهد. به عبارت دیگر، قرار بر این شد که مسئله به این صورت حل و فصل شود. شرکتهای زمین‌های تحت اجاره و تحت اختیار را به امتیاز تبدیل کرده و در عین حال امتیازات به نسبت ساختار زمین‌شناسی قابل تغییر و تعدیل بود. در شرکت جدید، ذخایر نفتی موجود در امتیازهای مختلف به صورت منطقی و به عنوان یک تمامیت زمین‌شناسی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. شرکت رویال داچ شل نیز اعلام کرد که برای مشارکت در این طرح علاقه‌مند است.

ولی شرکتهای آمریکایی خواهان معامله‌های یکجانبه بودند. از یک طرف، بر ضرورت دستیابی دایمی به توافق مالیات با دولت مرکزی پافشاری می‌کردند تا در برابر اقدامات دست و پاگیر دولت و مقامات محلی محافظت شوند، از طرف دیگر تبدیل دارایی‌های خود را به امتیازات نفتی و پرداخت اجاره‌ها و بهره مالکانه را نمی‌پذیرفتند و مصرانه می‌خواستند که فرمان کاران را ملغی شود. در واقع با چیزی کمتر از لغو کامل ماده ۲۷ رضای نمی‌شدند. بنابراین، مذاکرات با شرکتهای نتیجه‌ای نرسید.

## دولت آمریکا

شرکتهای نفتی آمریکایی موفق شدند مانع از به رسمیت شناخته شدن دولت مکزیک از سوی دولت آمریکا شوند، ولی میزان نفوذ و تأثیرگذاری آنها در واشنگتن رو به کاهش بود و صدای نمایندگان منابع دیگر غیر از نفت نیز باید شنیده می‌شد. بالاخره در سال ۱۹۲۲ دولت آمریکا گروهی را برای مذاکره به مکزیک فرستاد تا مسئله ماده ۲۷ را حل و فصل کنند. نکته عجیب این بود که روند مذاکرات، موضوع حقوق زیرزمینی با سرعت بسیار زیاد مورد بررسی قرار گرفت، ولی بحث پیرامون موضوعات ارضی و کشاورزی بسیار طولانی شد. البته این موضوع چندان شگفت‌آور نبود، زیرا اصلاحات ارضی به این معنی بود که زمین‌های زیادی باید ضبط می‌شد تا میان روستاییان و دهقانان به صورت خرده املاک، توزیع شود. در رابطه با منابع زیرزمینی، ماده ۲۷ به نفع معدنچیان یا شرکتهای نفتی در برابر مالکان خصوصی بخش‌های سطح‌الارضی عمل می‌کرد. در بخش‌های روزمینی لازم بود مالکان و زمین‌داران که برخی از آنها اتباع آمریکا و اروپا بودند، کنار زده می‌شدند. در مورد بخش‌های زیرزمینی، شرکتهای نفتی باید از حقوق مالکیت خصوصی به عنوان مالک و زمین‌دار چشم‌پوشی می‌کردند، ولی از طریق کسب امتیازات ویژه، حقوق خود را به عنوان تولیدکننده حنظ می‌کردند. در نتیجه، حقوق بالقوه تولیدکنندگان در زمین‌هایی تقویت می‌شد که در تملک خود آنها قرار نداشت. به این ترتیب، مشکل اصلی عبارت بود از توافق بر سر تعریف «اقدامات مثبت» و تمدید «حقوق مکتسبه» موجود. از آنجا که دولت مکزیک پذیرفت که بهترین تعریف «اقدامات مثبت» می‌تواند انجام حفاری در زمین مربوطه و خرید زمین با هدف انجام عملیات حفاری باشد، موضوع به سهولت حل و فصل گردید. همچنین در قانون جدید به مالکان بخش‌های روزمینی نوعی حق ترجیحی اعطا شد که با استفاده از آن می‌توانستند برای کسب امتیازهای بهره‌برداری اقدام کنند، ولی حق حاکمیت مکزیک برای دریافت مالیات و ماده ۲۷ همچنان به قوت خود باقی بود و قانون مربوطه به رسمیت شناخته شد و تصویب گردید.

منبع: نفت حاکمیت ملی، برنارد مور، علیرضا حمیدی یوسفی

**آرمان آگیلا در باره خرده مالکان، دقیقاً همان کابوس «روشنفکران و سیاستمداران» بود که بر عکس او، سعی داشتند در نشریات دولتی و به نقل از آدام اسمیت و جان استیوارت میل، شرکتهای نفتی را متقاعد کنند که مالکیت دولتی و از بین رفته طبقه زمین‌داران مزایای بسیار دارد. جوواکین سانتانلا، یکی از سخنگویان دولت، احساسات و عواطف خود را نسبت به مالکیت خصوصی منابع معدنی و نفت به هیچ وجه پنهان نمی‌کرد**